



و «اقدام» است. بازدارندگی به مثابه سپر است، در صورتی که اقدام، شمشیر است و شمشیر زن، در آن واحد می تواند ضربه بزند و دفاع کند. بازدارندگی و اقدام مکمل استراتژی هستند.

به نظر نویسنده اقدام قهرآمیز را نباید با اقدام نظامی یکی دانست. اقدام قهرآمیز مترادف با «جنگ» است و جنگ بسیار فراتر از یک پدیده صرفاً نظامی است چه در جنگ سیاست داخلی، سیاست خارجی، اقتصاد و عملیات نظامی همگی دخالت دارند. (ص ۳۳)

به باور نویسنده، حتی کسانی که تنها با تکیه به نیروی شمشیر حکمرانی کرده اند، باز سیاست را در سطح وسیعی به کار می گرفتند.



## استراتژی اقدام

\* نویسنده: آندره بوافر

\* مترجم: مسعود محمدی

\* ناشر: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی

\* چاپ اول: ۱۳۶۶

صفحات آغازین کتاب به تشریح و توصیف علت انتخاب موضوع و لزوم مطالعه استراتژی اقدام اختصاص دارد. اگر چه مولف کتاب قبلاً در مورد استراتژی، کتابهای دیگری تحت عنوان «مقدمه ای بر استراتژی» و باز دارندگی و استراتژی، به رشته تحریر درآورده است و در آنها به توضیح و تعریف استراتژی پرداخته است، لیکن جهت روشن شدن بحث، وی در آغاز این کتاب از رابطه میان «استراتژی» و «سیاست» سخن به میان آورده و می گوید تا قلمرو هر یک را روشن سازد.

از آنجا که استراتژی کامل، الزاماً در قلمرو «دولت» قرار می گیرد، و از آنجا که در پیش دانشمندان علوم سیاسی، دولت به تمام و کمال موضوع علم سیاست است، پس آیا در اینجا تداخل مفاهیم بین سیاست و استراتژی صورت نمی گیرد؟

برای رفع ابهام، مؤلف در آغاز بر خود فرض می داند که محدوده هر یک را معین کند، با وجود این که وی جای جای اظهار می کند که در بسیاری موارد به جای استراتژی می توان «سیاست» را بکار گرفت، لیکن در لزوم به کار گرفتن استراتژی به جای سیاست، می نویسد:

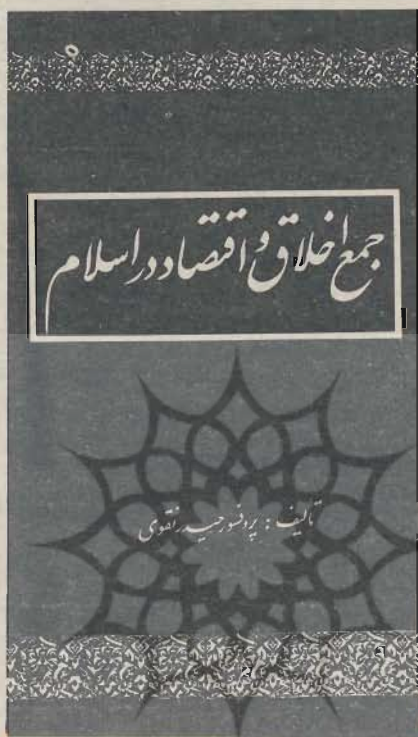
«نبايد نگران آن چیزی بود که می توانست تحت عنوان سیاست طبقه بندی شود. وانگهی به اعتقاد من یکی از نتایج این بررسی توضیح و طبقه بندی مجموعه فوق العاده در هم و برهم ایده ها و شیوه هایی است که تحت عنوان مبهم «سیاست» بر روی هم انباشته شده است.» (ص ۲۵)

نویسنده هشدار می دهد که هرگز نباید استراتژی را در قالب تنگ نظامی سنجد، چه این مفهوم بسیار فراتر از محدوده نظامی است.

به گمان وی استراتژی «هنر اجرای سیاست» و یک «فن حکومتی» است.

مولف سپس به تعریف و توضیح واژه «اقدام» می پردازد. و در آغاز تفاوت بین دو اصطلاح «باز دارندگی» و «اقدام» را روشن می سازد. این دو مفهوم که بیشتر در روابط بین المللی و سیاست خارجی از جانب دولت ها به کار گرفته می شود، دارای دو مفهوم مثبت و منفی است. به طور خلاصه در رابطه یک دولت با دولت دیگر هنگامی که هدف جلوگیری (از خطر و تهدید) است، بازدارندگی مطرح است و زمانی که هدف، اجرای خواسته ای است، «اقدام» مطرح می شود.

البته هر اقدام استراتژیک آمیخته ای از «باز دارندگی»



از آن زمان که بشر به تسلط بر طبیعت همت گماردو با حرکات بسیار ابتدایی، شروع به بهره برداری از امکانات موجود جهت رفع احتیاجات خود کرد، مدت زمان بسیار زیادی می گذرد. در این زمان مفید تغییرات و تحولات بسیار عمیقی در کیفیت و اقلیات و نحوه و شیوه اخلاقیات جامعه بوجود آمده است.

اندیشه آدمی همواره بدنبال تغییرات و تحولات اجتماعی در حرکت بوده و هیچگاه نیز از حرکت باز نایستاده است. اندیشه هیچگاه نمی تواند نسبت به تحولات پیرامون خود بی تفاوت باشد و بشر - البته مجموع جامعه - همواره نسبت به تحولات اجتماعی حساسیت و عکس العمل نشان داده است که بازتاب آن حضور فرقه های مختلف فکری و نحله های متعدد مذهبی در طول تاریخ است. در این میان متأسفانه - و یا خوشبختانه مسلمین در قبال تحولات اجتماعی شیوه های مختلفی اتخاذ کرده اند. جمعی هر تغییر و تحولی را یکسره نفی کرده و هر آنچه که می اندیشیده اند را مطلق گرفته و با هر پدیده نو و جدیدی به مقابله برخاسته اند، گروهی هر چه که داشته اند را نفی نموده و بدون هویت و بی توجه به اصالتهای فرهنگی و ریشه های تاریخی ای که آنها را به تجارب گذشته گانشان پیوند می زده در برابر هر پدیده و واقعه ای بی هیچ قید و بندی تسلیم شده اند و جمعی نیز راهی میانه برگزیده و ضمن حفظ هویت و تکیه بر دستاوردها و میراث گذشته گان، تلاش نموده اند که واقعه های نوین را تحلیل کرده و بخشهایی از آن را در اختیار گرفته و جنبه های ناصحیح آنرا نیز گرد کنند.

بنابراین به تحقیق می توان گفت که تعیین تکلیف در این مرحله اولین و در عین حال ضروری ترین و

حیاتی ترین وظیفه مسلمین است. این مهم باید در همه زمینه های مرتبط با علوم انسانی و اجتماعی دنبال شود پاسخ مشخصی نسبت به آن اتخاذ گردد. کتاب «جمع اخلاق و اقتصاد در اسلام» تألیف پروفیسور حیدر نقوی که توسط آقای توانیان فرد ترجمه شده است، تلاشی است که در راستای این هدف انجام شده و نویسنده با همین چشم انداز متدلوژی استخراج پاسخهای اسلام برای مسائل اقتصادی امروز جهان را مورد بررسی قرار داده است. نویسنده کتاب که یکی از برجسته ترین اقتصاددانان پاکستان است و سالها در دانشگاههای پاکستان، ترکیه، نروژ و آلمان به تدریس اقتصاد اشتغال داشته و مشاور امور اقتصادی و از برنامه ریزان سیاستهای اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه همکاری اقتصادی اروپا، کانادا، آمریکا در فرانسه بوده است در ابتدا موضوع خود را در مورد نحوه برخورد تئوریک با تحولات اجتماعی چنین بیان کرده است: «بعد از فرود وسطی جهان راه درازی پیچیده است جهان بسیار پیچیده تر از هر زمان دیگر شده است و راه حل های ساده ای که در آن دوره ساده زیستی زاهدانه و آرام، کافی بنظر می رسید برای دنیای لذت طلب و پرخورچدید به کلی ناسا می باشد حتی بدتر از این، ما در هیچ جایی یک الگوی اقتصادی اسلامی که به طور کامل به اجرا درآمده باشد نداریم تا بتوان قرینه سازی کرد و با تعمیم آن ها اصول علم اقتصاد اسلامی را تدوین نمود.»

وی سپس به تلاشهای علمای اسلامی در طول تاریخ برای پاسخ مسائل اقتصادی اشاره می کند ولی با ذکر این مسئله که «آنان به فضای اقتصادی - اجتماعی متفاوتی دسترسی داشته اند» وظیفه یک اقتصاددان مسلمان امروزی را «بسیار دشوارتر از آن می داند که گذشته را به طرز مکانیکی بازسازی کند.» وی اظهار می دارد که یک اقتصاددان مسلمان امروزی «باید مصادیق اصلی اسلام را در جهان بسیار پیچیده امروز، با عنایت به ایجاد اصلاح در آنچه از قبل وجود داشته، دوباره کشف نماید. یعنی آن را با دانش مناسبی که از قبل وجود داشته پیوندزند و به چهارچوب فکری جدیدی تبدیل نمایند» و برای این مهم ضمن برخورد با هر کنه ای که برای تدوین اقتصاد اسلامی قوانین بیگانه را ترجمه می کنند، نخستین گام در جهت تکامل اقتصاد اسلام را داشتن شناخت و درک روشن نسبت به ارزشهای اساسی اخلاقی اسلام معرفی می کند تا بدین وسیله هر فرد بتواند ماهیت اسلامی و ریاضی اسلامی اصول اقتصادی معینی را اثبات کند. وی گام بعدی را در این مسیر تغییر این ارزشهای اخلاقی به اصول عملی می داند.

بررسی فلسفه اخلاقی اسلام، سیستم اقتصادی اسلام، مقایسه دیدگاههای مکاتب دیگر، هدفهای اصلی سیستم اقتصادی اسلام، ابزارهای سیاستگزاری و سیاستهای پولی و مالی، از مباحث مطرح شده در این کتاب می باشند.

آخرین فصل کتاب شامل جمع بندی مباحث فوق و مهیتر از آن چشم انداز نویسنده از روند اسلامی کردن جامعه است. وی در این بخش تأکید می کند که باید به جای یک روش قراردادی، اصل «انتخاب معقول» که در عین حال محدودیتهای اخلاقی یک اقتصاد اسلامی را نیز در نظر داشته باشد مینا قرار گیرد و بخوبی یک «عمل متقابل» طرفه فعال میان تئوریزه کردن تجریدی یک قضیه و تئوریزه تجربی آن راه مورد توجه قرار می دهد.

# جهان عرب و عمر طولانی بازارهای واردات

از کامپیوتر و کمک آن به خودکفایی در را را عمیقاً تشخیص داده است و سرمایه‌های مناسب استفاده از کامپیوتر و وسایل مربوط به آن به کار انداخته است. موسسات بانکی سازنده کامپیوتر، و به ویژه آنها که در کامپیوترهایی به زبان عربی فعالیت می‌کنند، دهه آینده فرصت خوبی برای توسعه تجارت با کشورهای عربی خواهند یافت.

چهارمین موضوعی که باید توسط موسسات بانکی مورد توجه قرار گیرد، این است که هرچند فرصتهای زیادی برای گسترش تجارت، صرفاً به انجام صادرات کالا به کشورهای عربی ندارد، موسسات ایالات متحده نباید از منافع سودمند دیگر غافل شوند. موسسات بانکی باید پروژه‌های مشترکی را که بالقوه سودآور هستند، سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم و روشهای تجارت را در ارتباط خود با اعراب به گیرند. ابتکار اخیر جنرال موتورز در مصر و برای پروژه مشترک تولیدی در این کشور، همچنین ایجاد شرکت خدمات مالی بین‌المللی با شرکت اعراب، مثالهایی از این هستند که غیر از منافع صرفاً موقتی بر واردات، روشهای جایگزین صادرات دیگری نیز در تجارت با اعراب وجود دارند. در نهایت می‌توان گفت که برای «موسسات سرمایه‌یافتن» (A) به دلایل متعدد اقتصادی، امکان داشتن سهم قابل ملاحظه در اقتصاد اعراب وجود

مندهای هوشمندانه برنامه‌ریزی استراتژیک برای رسیدن به یک ترکیب مناسب از سود بالا و ریسک کمتر، نیازمند اضافه کردن بخشهای جدیدی به فعالیتهای تجاری جاری هستند. نمودار شماره ۴ نرخهای رشد اقتصادی کشورهای عرب را درازمدت در محور عمودی، و تغییرات در نرخ را در محور افقی نشان می‌دهد. عامل اخیر برای بروز تغییرات ادواری در نرخ رشد، یک شاخص مناسب برای نشان دادن میزان «ریسک» در تجارت با کشور مفروض است. علامت «الف» مربوط به ایالات متحده است. همانگونه که در نمودار دیده می‌شود، برخی از کشورهای عربی نرخ رشد اقتصادی اساساً بیشتری نسبت به ایالات متحده دارند در حالیکه تغییرات در نرخ رشد آنها در بسیاری از موارد، چندان متفاوت از آنچه برای ایالات متحده ثبت شده است، نیست.

خلاصه

در مجموع، سطح بالایی از تقاضا برای واردات کالا و خدمات در جهان عرب وجود دارد و توانایی کافی برای تامین مالی این واردات نیز در کشورهای عربی فراهم است. کشورهای عربی اخیراً در بسیاری زمینه‌ها در حال گذراندن مراحل از تحول اقتصادی هستند. در نتیجه، ساختار کالاها و خدمات صادره به این کشورها نیز دستخوش تغییر سریعی است.

مؤسساتی که بخواهند در امر تجارت با اعراب موفق باشند، باید خود را با کالاها و خدماتی که اکنون و در آینده مورد نیاز این کشورها است، هماهنگ کنند.

پتانسیل جهان عرب برای رسیدن به سطح ۲۰۰ میلیارد دلاری واردات در سال ۲۰۰۰، به اندازه کافی برای اینکه مؤسسات آمریکائی خود را برای تامین آن واردات آماده کرده و تغییر دهند، قوی است.

زیرنویس‌ها:

۱- آمار مالی بین‌المللی، صندوق بین‌المللی پول، واحد انتشارات، واشنگتن، دی.سی.

۲- این امر مشخص می‌کند که متوسط نرخ رشد سالانه واردات مجموعه کشورهای عرب در دوره فوق، حدود ۱۹/۴ درصد بوده است.

۳- این تخمین محافظه‌کارانه بر مبنای نرخ رشد واردات ۶ درصد در سال انجام شده است و نشان دهنده حداقل ممکن نرخ رشد واردات توسط دنیای عرب است.

۴- این نکته را باید تذکر داد که تمامی کشورهای عربی به جز مراکش و لبنان از یک سیستم ثابت و بسته تبدیل نرخ ارز استفاده می‌کنند. در نتیجه، روند تغییرات میزان ذخایر ارزی، یک شاخص مفید برای نشان دادن سهم فعالیت‌های بین‌المللی در اقتصاد این کشورها است.

۵- در استفاده از جدول شماره ۲ باید توجه داشت که اقتصاد کشورهای در حال توسعه‌ای که بخش عمومی وسیعتری دارند یا با برنامه‌ریزی متمرکز اداره می‌شوند، غالباً با چنان سطحی از ذخایر عمل می‌کنند که نسبت به کشورهای دارای بخش عمومی کوچکتر و یا فاقد سیستم برنامه‌ریزی متمرکز پایین تر است.

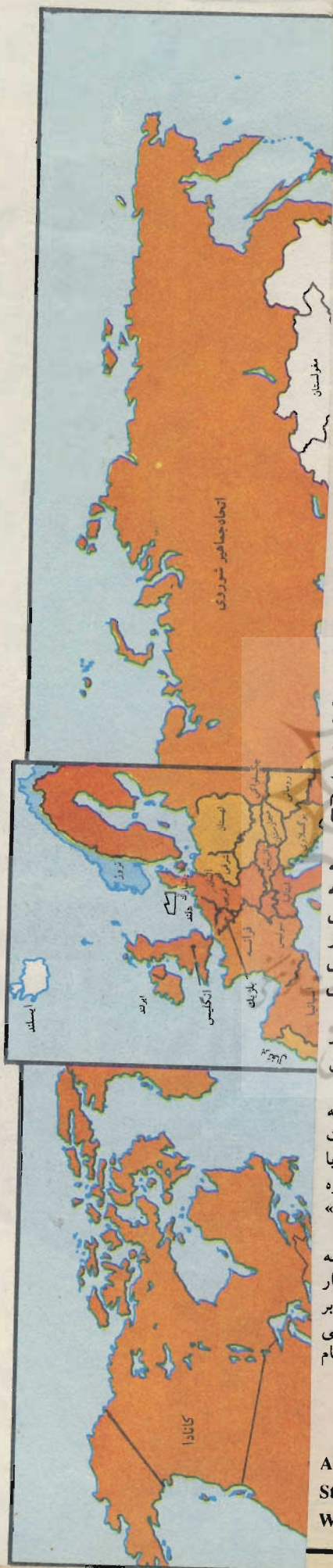
۶- این نشان دهنده آن است که نرخ رشد سیرده‌های جاری در بانکهای عربی طی ۱۵ سال اخیر سالانه ۲۰/۳ درصد بوده است.

۷- برای مثال، می‌توان به چهارمین برنامه توسعه عربستان، منتشر شده توسط وزارت برنامه‌ریزی عربستان (ریاض)، و یا مصاحبه با ولیعهد اردن «حسن بن طلال» که در شماره آگوست ۱۹۸۶ نشریه «Institutional Investor» چاپ شده است مراجعه کرد.

۸- در اینجا، ما معنی معمولی «موسسه سازمان یافته را به عنوان موسسه‌ای به کار می‌بریم که استراتژی برنامه تجاری آن، بر ترکیبی از فعالیتهای تجاری که بخوبی طراحی شده‌اند و حداکثر منافع را برای صاحبان سهام تامین می‌کنند، استوار شده است.

مشخصات مقاله در ماخذ اصلی:

ALex Anekonie III, The Arah World is Still Importing, American Arab Affairs, Winter 1986 - 87, Number 19.



افت صنعت

# استراتژی اقدام

آندره بیوفر  
ترجمه مسعود محمدی

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

## استراتژی اقدام

\* نویسنده: آندره بیوفر

\* مترجم: مسعود محمدی

\* ناشر: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

\* چاپ اول: ۱۳۶۶

صفحات آغازین کتاب به تشریح و توصیف علت انتخاب موضوع و لزوم مطالعه استراتژی اقدام اختصاص دارد. اگر چه مولف کتاب قبلاً در مورد استراتژی، کتابهای دیگری تحت عنوان «مقدمه‌ای بر استراتژی» و «بازدارندگی و استراتژی»، به رشته تحریر درآورده است و در آنها به توضیح و تعریف استراتژی پرداخته است، لیکن جهت روشن شدن بحث، وی در آغاز این کتاب از رابطه میان «استراتژی» و «سیاست» سخن به میان آورده و می‌کوشد تا قلمرو هر یک را روشن سازد.

از آنجا که استراتژی کامل، الزاماً در قلمرو «دولت» قرار می‌گیرد، و از آنجا که در پیش دانشمندان علوم سیاسی، دولت به تمام و کمال موضوع علم سیاست است، پس آیا در اینجا تداخل مفاهیم بین سیاست و استراتژی صورت نمی‌گیرد؟

برای رفع ابهام، مؤلف در آغاز بر خود فرض می‌داند که محدوده هر یک را معین کند، با وجود این که وی جای جای اظهار می‌کند که در بسیاری موارد به جای استراتژی می‌توان «سیاست» را بکار گرفت، لیکن در لزوم به کار گرفتن استراتژی به جای سیاست، می‌نویسد:

«نهایت نگران آن چیزی بود که می‌توانست تحت عنوان سیاست طبقه بندی شود. وانگهی به اعتقاد من یکی از نتایج این بررسی توضیح و طبقه بندی مجموعه نواقعه در هم و برهم آینده‌ها و شیوه‌هایی است که تحت عنوان مبهم «سیاست» بر روی هم انباشته شده است.» (ص ۲۵)

نویسنده هشدار می‌دهد که هرگز نباید استراتژی را در قالب تنگ نظامی سنجد، چه این مفهوم بسیار فراتر از محدوده نظامی است.

به گمان وی استراتژی «هنر اجرای سیاست» و یک «فن حکومتی» است.

مؤلف سپس به تعریف و توضیح واژه «اقدام» می‌پردازد. و در آغاز تفاوت بین دو اصطلاح «بازدارندگی» و «اقدام» را روشن می‌سازد. این دو مفهوم که بیشتر در روابط بین‌المللی و سیاست خارجی از جانب دولت‌ها به کار گرفته می‌شود، دارای دو مفهوم مثبت و منفی است. به طور خلاصه در رابطه یک دولت با دولت دیگر هنگامی که هدف جلوگیری (از خطر و تهدید) است، بازدارندگی مطرح است و زمانی که هدف، اجرای خواسته‌ای است، «اقدام» مطرح می‌شود.

البته هر اقدام استراتژیک آمیخته‌ای از «بازدارندگی»

## صادرات غیرنفتی؛ شناخت تنگناها

بقیه از صفحه ۵۱

صنعتی مجبور به انتقال تکنولوژی پیشرفته به کشور خود جهت نیل به هدف فوق خواهند بود. با انتقال تکنولوژی و ایجاد صنایع صادراتی، بطور اتوماتیک یک سری صنایع جنبی دیگر در این راستا ایجاد خواهد گردید و مجموعه این سرمایه‌گذارها، باعث افزایش ارزش افزوده و رشد تولید ناخالص ملی خواهد شد.

از طرف دیگر چون صادرات کشورهای درحال توسعه را اغلب مواد خام تشکیل میدهد بهمین لحاظ با نوسانات بین‌المللی که معمولاً بطرف کاهش قیمت این کالاها و افزایش بهای کالاهای ساخته شده پیش می‌رود، همواره از میزان ارزش دریافتی آنها کاسته می‌شود و حال آنکه با توسعه صادرات صنعتی، نوسانات تقاضای کشورهای صنعتی نمیتواند درآمدهای ارزی این کشورها را تحت تاثیر قرار دهد چرا که توسعه صادرات و میل بطرف صنعتی شدن مانع صدور مواد اولیه آنها میگردد.

با فرض قابل قبول بودن برنامه بیست ساله اقتصادی کشور ملاحظه میشود که در سال ۱۳۸۱ سهم صادرات غیرنفتی در کل صادرات میبایست به ۶۵/۷ درصد برسد ولی آیا سرمایه‌گذارهای لازم برای توسعه صادرات خصوصاً صادرات صنعتی انجام گرفته است و یا در برنامه‌های موجود پیش‌بینی شده است؟ با بررسی و ارزیابی صادرات در گذشته و پیش‌بینی‌های موجود برای آینده، میتوان راههای عملی توسعه صادرات را مشخص نمود. بدون شک رشد اقتصادی کشور میتواند پرمبئی توسعه صادرات پی‌ریزی گردد و در این رابطه با توجه به اصل مزیت‌های نسبی در تولید کالاها و یا ترکیبی از هردو سیاست توسعه صادرات و جانشینی واردات، میتوان تحرک لازم را ایجاد نموده و در نهایت به در نظر گرفتن هزینه منابع داخلی و تخصیص صحیح منابع و امکانات کشور، موجبات توسعه صادرات را فراهم نمود.

در این راستا باید توجه داشت که تشویق و توسعه صادرات صنعتی بعنوان سیاستی بلندمدت تلقی و سایر سیاستها بنحوی هماهنگ با آن تدوین گردد. از بین بردن موانع و مشکلات موجود در راه صادرات، در بلند مدت منجر به تشویق و توسعه صنایع صادراتی و ازدیاد تولیدات داخلی خواهد شد لازم به تذکر است که تنظیم مصرف داخلی در سطح معقول، بخصوص در مورد مصرف کالاهاییکه امکانات بالقوه صادراتی دارند حائز اهمیت است. از آنجا که در سالهای گذشته بعلت سیاستهای

حیاتی، تولیدات داخلی در شرایط فعالیت نموده‌اند و افزایش تقاضای داخلی گسترش تولیدات آنها را فراهم ساخته، لذا قابلیت رقابتی آنها بنحو مطلوب نمی‌باشد. لحاظ لازم است که سیاستهای خاص بنحوی شوند که بتدریج قابلیت رقابت آنها را افزایش آنها را برای فعالیت در بازارهای جهانی فراهم چرا که افزایش قدرت رقابت تولیدات داخلی ضروریات توسعه صادرات میباید.

نکته حائز اهمیت آنکه انتخاب روش توسعه صادرات مستلزم مشخص شدن نسبی کشور در زمینه‌های تولیدی و صادراتی میباشد. بمنظور ایجاد و توسعه اینگونه فرامه نمودن تسهیلات زیربنایی و ایجاد مشاغل گوناگون و نیز حداکثر استفاده از ظرفیت صنعتی نقش مهمی دارند. تأمین نیروی ماهر و انتقال تکنولوژی مناسب از اقداماتی که دولت میبایست با برنامه‌ریزیهای درصدی تأمین آنها برآید. در عین کشور ما میبایست با مشارکت مؤثر سازمانهای تجاری بین‌المللی و انجام عملیات متقابل با آنها، جهت رفع موانع تعرفه‌ای اقدامات توجه کامل به بازاریابی و تنظیم یک بلندمدت در این زمینه، ایجاد تشکلهای هماهنگی بین ارگانهای دست اندرکار صادرات تدوین یک برنامه بلندمدت صادراتی برای اطمینان به سرمایه‌گذاری در این بخش از اقتصاد است که میبایست انجام شود.

زیرنویس‌ها:

- ۱- برای اطلاع بیشتر از ویژگیهای خارجی ایران رجوع شود به مقاله «الگوی خارجی ایران» نوشته دکتر ابراهیم رزاقی - اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۹ - ۶۶
- ۳- ارقام سال ۶۴ و ۶۵ برآورد می‌باشد.
- ۴- مآخذ: مجموعه برآورد مقدماتی صادرات، واردات، گمرک ایران، اسفند ۱۳۶۵.
- ۵- ارقام این دو سال برآورد می‌باشد.
- ۶- مآخذ: مجموعه برآورد مقدماتی صادرات، واردات، گمرک ایران، اسفند ۱۳۶۵.
- ۷- گزارش ضرورت کمک به صادرات خشکبار ایران، وزارت بازرگانی، مرکز صادرات.
- ۸- گزارش شناخت و تحلیل مسایل و صنایع کشور - بانک مرکزی ایران، سال ۶۱

- محیط زیست - شماره اول - شهریور قطننامه علمی سازمان حفاظت محیط زیست
- ماهنامه بررسیهای بازرگانی - شماره ۶ - ۱۳۶۶ از انتشارات مؤسسه اطلاعات و بازرگانی
- صنعت حمل و نقل - شماره ۶۱ - آبان ۶۱
- جهاد - شماره ۱۰۳ - آبان ماه ۱۳۶۶ - نشر سازندگی
- حسابدار - شماره ۱۱ - مهرماه ۱۳۶۶ - انجمن حسابداران خیره ایران

### نشریات جدید

- مجله اقتصادی - شماره ۸ - آبان ماه ۱۳۶۶ - وزارت امور اقتصادی و دارائی
- گزیده مسائل اقتصادی و اجتماعی - شماره ۶۸ و ۶۹ - مهرماه ۱۳۶۶ - وزارت برنامه و بودجه
- ناوران - شماره ۱۹ - مهرماه ۱۳۶۶ - سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران
- نشریه سازمان صنایع ملی ایران - شماره ۴۵ و ۴۶ - سازمان صنایع ملی ایران

و  
که  
ضرر  
است  
یکی  
بسیار  
سیاه  
مشک  
مشترک  
کار

موج  
زیاد  
بسیار  
جامه  
اندی  
حرک  
اندی  
بی تا  
به  
متأ  
اجت  
و تم  
را  
برخا  
هویا  
ای  
هر  
جمع  
برد  
واقه  
اختی  
درای

# افت صنعت

